



پایگاه اطلاع رسانی قلمین
www.thaqlain.ir



پایگاه اطلاع رسانی قلمین
www.madracendegil.ir

عاشورا، یک صحنه عبرت است. انسان باید به این صحنه نگاه کند. تا عبرت بگیرد. یعنی خود را با آن وضعیت مقایسه کند و بفهمد در چه حال و وضعیتی است: چه چیزی او را تهدید می کند: چه چیزی برای او لازم است. انسان می تواند خودش را در مقام قهرمانان یا شکست خوردگان این ماجرا تصور نموده و خویش را از بیایی کند. این را می گویند «عبرت».

در این اینفوگرافیک به هفت مورد از زمینه های صعود یا سقوط و عوامل پیوستن یا جلا شدن از کاروان سیدالشهدا علیه السلام با مراجعه به منابع اصلی تاریخ، حدیث و رجال اشاره شده است.

نبرد عریان



عابد بن ابی شیب شاکری به میدان که آمد گفتند: این شیر شهبان است! کسی به جنگ تن به تن با او نرود! وقتی عمر سعد عقب نشینی نیروهایش را دید، دستور داد تا سنگ بارانش کنند. عابد زره از تن بیرون کرد و به سپاه کوفه حمله ور شد. راوی دشمن می گوید به خدا یا بیش از دوست نگر درگیر شده بود. پس از شهادتش، لشکریان بر سر حمل سر بریداش دعوا داشتند. عمر سعد فریاد زد: کنار بروید! او را یک نفر نکشته است. تاریخ طبری ج ۲ ص ۵۲

مواجهه با مرگ

یکی از نشانه های مرادان راه خدا اینست که هر لحظه برای مواجهه با مرگ آماده اند



خواص لثیم اشرف کوفه



سعد بن عبیده که در کربلا حضور داشته، می گویند: بزرگان ما از اهل کوفه در روز عاشورا روی تپه ای دور از کربلا ایستاده بودند و با گریه می گفتند: خداوند! نصرتت را بر حسین بکن! نازل فرما! به آن ها گفتیم: ای دشمنان خدا، چرا به جای دعا، یاریش نمی کنید؟! انسب الاثر ج ۲ ص ۲۷

گلبرگی در طوفان

قاسم بن الحسن

شب عاشورا که سیدالشهدا علیه السلام پرده از اخبار فردا برداشت، عرض کرد آیا من هم در رکاب شما به شهادت می رسم؟ امام از او پرسید: مرگ در نظرت چگونه است؟ قاسم بن الحسن علیه السلام پاسخ داد: غسل شیرین تر است. موسوعه تاریخ امام حسین ج ۱۲ ص ۲۱۸

شخصیت فردی

یکی از شعراى برجسته تاریخ اسلام که علی رغم ترس از مرگ در زمان امام سجاده علیه السلام قصیده مشهوری در مدح آن حضرت سرود و حتی به خاطر آن به زندان افتاد.

شاعر گریزان

فردی

عبدالله بن عمرو عاص در مکه به او گفت: چرا به حسین علیه السلام نمی پیوندی؟ به خدا قسم به حکومت خواهد رسید! تصمیم گرفت به سپاه سیدالشهدا علیه السلام پیوندد اما خودش نقل می کند که چون به عاقبت انبیا فکر کردم پشیمان شدم! وقتی در کوفه خبر شهادت سیدالشهدا علیه السلام را شنید، عبدالله بن عمرو عاص را لعن می کرد و می گفت نزدیک بود مرا به کشتن بدهد. تاریخ طبری ج ۲ ص ۵۹

جامانان

طرمح بن عدی

در منزلگاه غزیه هجانات با سیدالشهدا علیه السلام ملاقات کرد و هنگام وداع به امام گفت: خداوند شر جن وانس را از تو دور گرداند. من آذوغه و نققای را برای خانوادام از کوفه تهیه کرده ام که به محض اینکه به آن ها برسند بر خواهم گشت و به خدا تو را یاری خواهم کرد! رفته ولى وقتی برگشت با سرهای به نیزیه شهادی کربلا مواجه شد. تاریخ طبری ج ۲ ص ۶۰۷

تعلق به خانواده

تعارض بین حق مداری و تعلق به خانواده یکی از سخت ترین چالش هاست



از صفین تا کربلا

هرثیه بن سلیم

پس از بازگشت از صفین، همراه امیرالمؤمنین علیه السلام به کربلا رسید. حضرت خاک را بوید و فرمود اینجا محل شهادت کسانی است که بی حساب وارد بهشت خواهند شد. او که در روز عاشورا با سپاه عمر سعد به کربلا آمده بود، به محضر امام رسید. سیدالشهدا علیه السلام از او دعوت به یاری کردند اما در پاسخ گفت: من دخترانی دارم که از عقیبتان نزد عیبدالله می ترسم و رفته. امامی شیخ صدوق مجلس ۲۸ ص ۷۶

لذت شکمیایی

محمد بن بشر حضری

شب عاشورا خیر رسید که فرزندت در ری اسیر شده! امام علیه السلام هزار سکه و سه پیراهن قیمتی برای آزاد کردن فرزندش به او داد. اما در جواب گفت: درنده های بیابان مرا زنده زنده بخورند! اگر از تو جدا شوم! پسرم گرفتار است! باشد مگر پسر من از شما عزیزتر است؟! در زیارت ناحیه، امام علیه السلام به او سلام کرده و از این پایمردی تجلیل فرموده است. الطولوف ص ۱۵۲

جرثومه فساد

عبدالله بن زبیر که در اینجا زید را از یاری امام علیه السلام بازداشت به فرمایش امیر مؤمنان علیه السلام: پیش از این نیز پدرش زبیر سیف الاسلام را نیز به فقر ابرده و طول دوران حکومتش در مکه چهل خطبه جمعه خواند. ولی بر اهل بیت پیامبر علیه السلام یک بار هم درود نفرستاد. سنه الرسول المصطفی و اجدیات التحریف ص ۲۸

ماه در آب

عباس بن علی

گرچه فرزندان معصومین علیه السلام از نعمت وجود ایشان بهره مند بودند، با این حال همه یکسان نبوده، بلکه مادرانشان تأثیر ویژه ای در تربیت و شخصیت آن ها داشتند. امیرالمؤمنین علیه السلام برای تربیت علمدار کربلا به برادر خود عقیل فرمودند از قبیل های شجاع و پارسا برای من همسری اختیار کن! او هم فاطمه ام المبنین علیها السلام را پیشنهاد کرد. پس از عاشورا وقتی خیر شهادت چهار پسر ام المبنین علیها السلام را آوردند، فرمود: فرزندانم و همه اهل زمین به فدای اباعبدالله الحسین. اگر ام المبنین علیها السلام نبود، عباس علیه السلام علمدار کربلا نمی شد.

طلوع عقین

زهیر بن زین

در منزلگاه زود کاروان سیدالشهدا علیه السلام و قافله زهیر به هم رسیدند او از ملاقات با امام ابا داشت اما با اصرار همسرش نزد ایشان رفت. مدت زیادی نگذشت که با چهره روشنی از خیمه امام خارج شد و دستور داد خیامش را به خیام ایشان متصل کنند و خطاب به همسر و عشیره اش گفت: من خود را برای کشته شدن در راه حسین علیه السلام آماده کرده ام. الاخبار الطوال ص ۲۲۷

همنشینی با بدان

یحیی بن هانی بن عروه

یحیی پسر هانی مرد با وفای کوفه، تحت تأثیر دابی خود(عمرو بن حجاج زبیدی فرمانده سپاه منع آب) روز عاشورا در برابر امام علیه السلام قرار گرفت. او پس از واقعه عاشورا به همراه دابی خود با مختار جنگید و بعدها از محدثان مورد اعتنای اهل سنت به شمار رفت. تاریخ طبری و الجرح والتعديل الرازی ص ۲۸

تأثیر خوشیاوندان

از دواج یکی از عوامل مؤثر بر سعادت یا شقاوت انسان است



گندم ری

با ورود امام حسین علیه السلام به عراق، به کوفه بازگشت و پیشنهاد تازیانی پیش رویش قرار گرفت. عبدالله او را برای مقابله با سیدالشهدا علیه السلام طلبیده بود. گفت: اگر ممکن است معافم! دارا عیبدالله گفت: قبول، اما به شرط آنکه فرمان ولایت ری را به ما بازگردانی. مهلت خوشت و با نیک خواهان خویش مشورت کرد ولی همه او را از این عمل منع می نمودند. اما با اصرار عیبدالله و وعده ملک ری با لشکری چهار هزار نفری راهی کربلا شد. انسب الاثر ج ۲ ص ۲۴۴

پسرنوح

آخرین پسر امیرالمؤمنین علیه السلام که در کربلا حاضر نشد! بعد از کربلا با امام سجاده علیه السلام بر سر صدقات و موقوفات پیامبر و امیرالمؤمنین علیه السلام منازعه کرد و از ایشان به عبدالملک مروان شکایت نمود! در ارت با عیبدالله بن عباس دچار اختلاف شد و اولین فردی بود که با عبدالله بن زبیر بیعت کرد تا به او مشرعهت ببخشد و پس از او نیز با قاتلش حجاج بیعت کرد. او که از عدم حضور در کربلا و کشته نشدن همواره ابراز خوشحالی می نمود، در جنگ با مختار، به سپاه مصعب بن زبیر پیوست و حتی در نقلی به قتل رسید. قاسم الاثر ج ۸ ص ۲۱۵

لقمه و مال حرام

یکی از فراگیرترین فتنه های زندگی بشر آلوده شدن به مال حرام است



پای در گل

سپاه بنی امیه

سیدالشهدا علیه السلام به سپاه کوفه فرمود: می دانید چرا کلام مرا نمی فهمید و با من دشمنی می کنید؟ زیرا عطای حرام شما را زمین گیر کرده است! (عطا سهمیه سالانهای بود که بنی امیه به عرب های کوفه می داد تا همواره آماده نبرد باشند) موسوعه کلمات امام حسین علیه ص ۵۱۱ ترجمه الامام الحسین من طبقات ابن سعد صفحه ۶۹

اثر روزی حلال

یاران سیدالشهدا

سیدالشهدا علیه السلام در اولین پیامی که از خیمه فرماندهی در صبح روز عاشورا ابلاغ کرد، فرمود: هرکس بدهی یا دینی بر عهده دارد برود! نمی خواهیم او در سپاه ما باشد و این بدین معناست که توبه کنندگانی که از سپاه دشمن به امام پیوستند و از فتنه دشمنی با امام و نشاناختن مقام ایشان رستند، تا قبل از عاشورا گرفتار لقمه حرام نشده بودند. موسوعه کلمات امام حسین صفحه ۵۰

انتخاب سرنوشت

اهل سعادت و شقاوت، خود در یک لحظه سرنوشتشان را انتخاب کرده اند



فرصت سوز

عیبدالله بن حرجی

از اشراف و رزم آوران کوفه بود. سیدالشهدا علیه السلام پیکسی به خیمتش فرستاد. گفت از کوفه خارج نشدم مگر برای اینکه با حسین بن علی مواجه نشوم! امام شخصا به خیمتش رفتند و او را دعوت به نصرت کرده و فرمودند: تو عرق گناهی! با من که دل اولیایت را از زاندم! امام علیه السلام با آغوش باز او را پذیرفت و در رکاب حضرت به شهادت رسید. وقتی که خون سر و صورتش را فرا گرفته بود، امام با وجود خطر بر بالینش آمد و فرمود: تو حر و آزامردی همانطور که مادرت چنین نامی بر تو نهاد. امامی صدوق مجلس ۲۰ ص ۶۳

باردیرین

جناده بن حارث

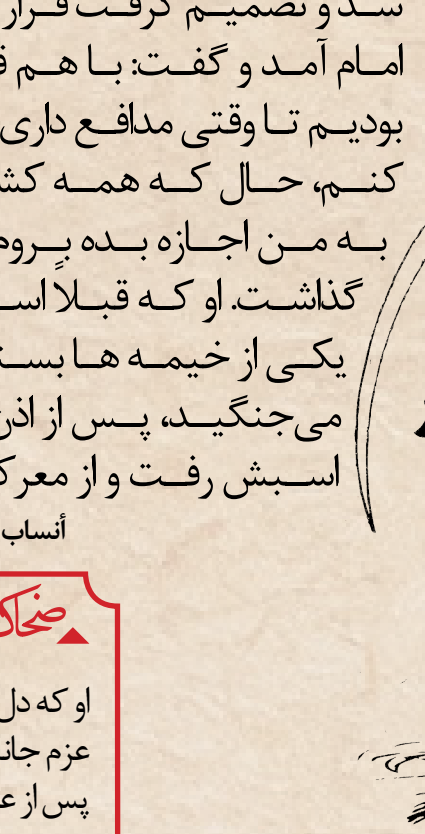
در کوفه از مدافعان مسلم بن عقیل بود و پس از شهادت او به سیدالشهدا علیه السلام ملحق شد. روز عاشورا با بارانش به سپاه کوفه حمله کردند و دلیرانه جنگیدند تا محاصر شدند. عباس بن علی صفوف دشمن را درید و آن ها را که به شدت مجروح شده بودند خلاص نمود و ولی آن ها از اینکه سالم برگردند خودداری نموده و جنگیدند تا شهید شدند. قاسم الاثر ج ۸ ص ۹۵

شخصیت عبدالله

او تا پایان عمر اقتدار زیادی برای ابراز بشمعی از این فرصت سوزی سرود اما در عین حال یکی از عوامل مؤثر در شکست قیام مختار نیز شناخته می شود. رجال شیخ طوسی ص ۲۸

عزم و اراده

یکی از لغزشگاه های حساس در سقوط انسان نداشتن عزم را است



ساقی تشنه

نافع بن هلال مرادی

شب عاشورا وقتی تشنگی بر خیام غلبه کرد، سیدالشهدا علیه السلام عباس بن علی علیه السلام را به همراه سی سوار برای آوردن آب فرستادند. او در میان این افراد سپاه عمرو بن حجاج زبیدی، فرمانده سپاه منع آب که با او هم قبیله بود، گفت: بنوش، گوارایت باد! ولی نافع در پاسخ گفت: من آب بنوشم! در حالی که مولاایم حسین علیه السلام و اصحابش تشنه هستند! باید برای آن ها هم آب ببرم! عمرو و مأمورانش مانع شدند. با کمک عباس بن علی با آن ها درگیر شد و سایرین مشکهایشان را پر از آب کرده و به خیمه ها رساندند. انسب الاثر ج ۲ ص ۲۴۷

خفاک پس از عاشورا

او که دل در گرو اهل بیت داشت ولی عزم جانی را در راه آنان را نداشت پس از عاشورا به امام سجاده علیه السلام پیوست در کتبه جالی، خفاک را از شاکران امام چهارم شمرده اند. رجال شیخ طوسی ص ۲۸

قبیله گرایی

یکی از عوامل پایمال شدن حق ترویج وابستگی های حزبی بر آن است



لغزش سردار

عدی بن حاتم طائی

وقتی مأموران مختار، حکیم بن طفیل طائی ملعون را دستگیر کردند، قبیله بنی طلی به نرد عدی رئیس این قبیله رفتند تا برایشان از مختار امان نامه بگیرند. او هم علی رغم کهولت سن و نابینایی و دوری راه، برای شفاعت این جانبکار خود را به مختار رساند! خوشبختانه مختار قبل از رسیدن عدی، از موضوع باخبر شده و حکیم ملعون را به جهنم فرستاده بود. قاسم الاثر ج ۷ ص ۱۵۵

شخصیت عدی

خاصی و مرد امیرالمؤمنین علیه السلام پدر سه شهید در صفین سردار و جانباز صفین و جمل رئیس قبیله بنی طلی رئیس سفید و مورد احترام شیعه

جانات حکم ملعون

تیراندازی به سیدالشهدا علیه السلام اسب ناخن بر پیکر حضرت قطع دست چپ عباس علیه السلام فرود آورد نمود اهن بر سر مبارک عباس بن علی علیه السلام غارت لباس عباس بن علی علیه السلام